

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

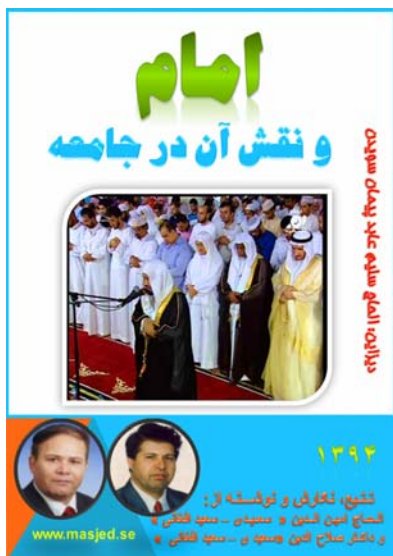
مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی- سعیدافغانی
۲۶ سپتمبر ۲۰۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

امام و نقش آن در جامعه

۶



امام دایم و امام صاحب خانه در امامت نماز پیشقدم اند:

اگر احياناً حالتی پیش آید که در یک محل تعدادی از علماء و دانشمندان کثیری حضور داشته باشد ، حق امامت را باید امام دایم و یا صاحب خانه به دوش گیرد . امام مسلم در حدیثی صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می نویسد ، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « لا يُؤمَّن الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِي سُلْطَانِهِ ...إِلَّا بِإِذْنِهِ » (هیچ کس حق ندارد در جای مخصوص دیگری جز با اجازه او امامت کند). (مسلم (۶۷۳)

و در حدیث دیگری ابوداود نیز فرموده است : « مَنْ زَارَ قَوْمًا فَلَا يُؤْمَهُمْ وَلِيُؤْمَهُمْ رَجُلٌ مِنْهُمْ » (هر کس به زیارت و ملاقات قومی می رود نباید در نماز، آنها را امامت بدهد، بلکه فردی از خود آنها مسؤولیت

امامت را به دوش گیرد). (مسند احمد (۴۳۶/۳)، (۵۳/۵)، ابوداود (۵۹۶)، ترمذی (۳۵۶)، ترمذی گفته است: «این حدیث حسن صحیح است».

سؤال در این جاست که آیا حکم این مسأله به طور مطلق است؟ و یا این که در صورت موجود بودن شخصی که قرائتش از قرائت صاحب خانه خوبتر است و یا نسبت به صاحب خانه عالمتر است ، آیا باز هم صاحب خانه مسؤولیت امامت را به دوش گیرد؟ یا این که بر او لازم است که امامت را به فرد قاری تر و عالمتر بسپارد؟

در جواب باید گفت که منظور از (سلطان) جای مخصوص فرد است؛ مانند امام دایم و صاحب خانه . پس اینها حق دارتر هستند که در مسجد و خانه خود امامت کنند؛ لیکن اگر خودشان به مهمان اجازه امامت دهند جایز است و اگر نه؛ نباید کسی دیگر در جای او امامت بدهد، ولی اگر شخصی که قرائتش از قرائت او بهتر است موجود باشد بهتر است که

او را امام کند، به دلیل عام بودن حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می‌فرماید: «يَوْمُ الْقَوْمِ أَقْرَاهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ» (برای مردم کسی امامت کند که قرائت قرآن وی از همه بهتر است). (مسلم ۶۷۳).

خواندن نماز عقب امام تلویزیون و رادیو

قبل از همه باید متذکر شد که تعداد کثیری از علمای اسلامی اقامه نماز فرض را در مسجد به صورت جماعت فرض عین می‌دانند، بناءً ادای نماز باید در مسجد و آنهم باید به صورت جماعت برگزار گردد.

در حدیثی از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «والذی نفسی بیده لقد هممت أن أمر بحطب يحتطب ثم أمر بالصلاة فيؤذن لها ثم أمر رجلاً فيؤم الناس ثم أخالف إلى رجال فأحرق عليهم بيوتهم» متفق علیه .

به خدائی که جان من در دست اوست تصمیم گرفتیم هیزم جمع کرده، سپس دستور دهم تا این که آذان بگویند، سپس مردی را به امامت و اگذارم و بطرف مردانی روم که به جماعت حاضر نشده اند و خانه هایشان را بر آنان آتش زدم .

همچنان در حدیثی از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است: «أتى النبي صلى الله عليه وسلم رجل أعمى فقال: يا رسول الله ليس لي قائد يقودني إلى المسجد، فسأل رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يرخص له في بيته، فرخص له، فلما ولى دعاه فقال له: هل تسمع النداء؟ قال: نعم، قال: فأجب» متفق علیه .

می‌گویند روزی مرد نابینائی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: کسی ندارم که مرا به مسجد برساند و از آنحضرت اجازه خواست تا در خانه اش نماز بخواند، آنحضرت به او اجازه داد و وقتی آن مرد از آنجا دور شد و رفت او را صدا کرد و فرمود: آیا آذان را می‌شنوی؟ جواب داد بلی، فرمود: پس جواب آذان را بده، یعنی نماز را با جماعت ادا کن .

از ابن عباس روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من سمع النداء فلم يأتها، فلا صلاة له، إلا من عذر» (کسی که آذان را بشنود و به سوی آن (یعنی به مسجد) نرود، نمازش صحیح نیست مگر این که عذری داشته باشد) (حکم)

بناءً ملاحظه می‌نمائیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم چقدر به حضور مسلمانان در ادای نماز با جماعت تأکید و اهتمام ورزیده است .

امام شافعی رحمة الله علیه می‌فرماید: «فلا أرخص لمن قدر على صلاة الجماعة في ترك إتيانها إلا من عذر». (کتاب الأم للشافعی ۱/۱۵۴) (کسی که می‌تواند به نماز جماعت حاضر شود اجازه تخلف از نماز جماعت به او نمی‌دهم، مگر این که عذر داشته باشد).

امام خطابی رحمة الله می‌فرماید: «حضور نماز جماعت در مساجد واجب است، زیرا اگر سنت بود عبدالله بن ام مکتوم که نابینا بود اولی‌تر بود که از آن تخلف کند و همچنین برای کسانی که ضعیف و نابینا هستند مانند او واجب است» .

پس بر اساس این رأی بر تمامی مسلمانان بالغ مذکر واجب است که نماز های خویش را در مسجد و به صورت جماعت بخوانند مگر این که عذری موجه داشته باشند.

حال چگونه و با کدم حکم و منطق رأی داده شود، که یک فرد مسلمان بالغ بدون عذر شرعی در خانه خویش بنشیند و از طریق کانال های تلویزیون و رادیو نماز جماعت را در خانه خویش بر پا دارد ، اصدار جواز فتوا در این مسأله به جز فتنه و جهل چیزی دیگری شده نمی‌تواند.

از جانب دیگر یکی از فضایل رفتن به مسجد و نماز خواندن در آنجا اینست که شخص اگر وضوء داشته باشد با هر قدمی که به سوی مسجد بر می دارد، گناهان صغیره او پاک می گردد، در حالی که در منزل این فضیلت وجود ندارد و در حقیقت ماندن در منزل جز جفا در حق خود چیز دیگری شده نمی تواند. طوری که در حدیثی از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «صلاة الرجل في الجماعة تضعف على صلاته في بيته و في سوقه خمسا و عشرين ضعفا، و ذلك أنه إذا توضأ فأحسن الوضوء، ثم خرج إلى المسجد لا يخرج إلا الصلاة، لم يخط خطوة إلا رفعت له بها درجة، و حط عنه بها خطيئة، فإذا صلى لم تزل الملائكة تصلي عليه مادام في مصلاه، اللهم صل عليه، اللهم ارحمه، و لا يزال أحدكم في صلاة ما انتظر الصلاة» (متفق عليه.)

«نماز جماعت بیست و پنج برابر نمازی که در خانه و بازار خوانده می شود، ثواب دارد، بدان جهت که وقتی شخص به خوبی وضوء می گیرد و تنها برای خواندن نماز به مسجد رود، با هر قدمی که برمی دارد، درجه ای بالا می برد و گناهی از او بخشوده می شود، پس هنگامی که نماز خواند تا زمانی که در محل نمازش است، ملائکه بر او درود می فرستند (و می گویند) خداوندا! بر او صلوات بفرست، خداوندا! به او رحم کن، و تا زمانی که هر کدام از شما در انتظار نماز باشد گویا در نماز است.»

در حدیث دیگری که از حضرت ابوهریره (رض) روایت شده آمده است: «من غدا إلى المسجد وراح أعد الله له نزله من الجنة كلما غدا أو راح» (هر کس به مسجد رفت و آمد کند، در هر رفت و آمدی، الله (وسایل) پذیرائی برایش در بهشت آماده می کند). (متفق علیه)

همچنان مسلم از ابوموسی روایت نموده است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إن أعظم الناس في الصلاة أجرا أبعدهم إليها ممشى». (هر اندازه برای نماز خواندن دورتر بر وی پاداش و ثواب آن بیشتر است) محدثین در حدیثی از امام مسلم که از جابر روایت گردیده می گویند: فضای پیرامون مسجد (النبی) خالی شده بود، بنو سلمه خواستند منازل خود را به نزدیک مسجد انتقال دهند، پیامبر صلی الله علیه وسلم از این موضوع مطلع شد و فرمود: «إنه بلغني أنكم تريدون أن تنتقلوا قرب المسجد» (به من اطلاع رسیده که می خواهید منازلتان را به نزدیک مسجد انتقال دهید؟). گفتند: بلی یا رسول الله، می خواهیم چنان کنیم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «یا بنی سلمة دیارکم تکتب آثارکم» (ای بنی سلمه در سرزمین خود بمانید، پاداش راهی که می پیمائید برایتان نوشته می شود).

از جانب دیگر یکی از حکمت هائی را که دین مقدس اسلام، به حضور مسلمانان در نماز های پنجگانه در مسجد بدان تأکید می ورزد اینست که روحیه تضامن، و پیوستگی، و تآلف، و محبت، و ترابط، و اخوت و برادری، در بین مسلمانان تقویت گردد.

بنابر همین است که پروردگار با عظمت ما، برای زنده کردن چنین روحیه ای عبادت نماز را در یک شبانه روز پنج بار بالای مسلمانان فرض گردانید و مطابق شرع اسلامی خواستار اقامه آن با جماعت در مساجد می باشد.

مسلمانان در نماز جماعت در برابر الله با خشوع و خضوع کامل ایستاده و با او مناجات می کنند و در حکمت نماز جماعت دیده می شود که هیچ فرقی بین فقیر و ثروتمند، امیر و مأمور، سیاه و سفید، دیده نمی شود و همگی در يك صف ایستاده می شوند.

اشتراک در نماز جماعت در مسجد، طوری که یاد آور شدیم، باعث آن می شود که برادران مسلمان با هم آفت و مودت بگیرند و از حال مادی و معنوی همدیگر با خبر شوند، و باعث رفع بسیاری از مشکلات می گردد و این اجتماع است که باعث سربلندی و عزت اسلام در جامعه بشری خواهد بود.

همچنین اجتماع مسلمانان در مسجد برای نماز جماعت باعث می شود خداوند برکات و رحمت خود را بر آنان نازل فرماید. و بدون شک نمازی که در منزل اقامه شود ولو این که به صورت جماعت باشد این ثمرات را در پی نخواهد داشت.

ما عدا از حکمت های نماز جماعت در مساجد که مختصراً در فوق بدان اشاره شد ، باید گفت که یکی از شرایط درستی جماعت اینست که مأوم خارج از صف نمازگزاران قرار نداشته نباشد یعنی با صف نمازگزاران «اتصال» داشته باشد (مجموع الفتاوی ۴۰۷/۲۳) ، در غیر اینصورت اقتدای او به نمازگزاران بیهوده است و نماز او باطل خواهد بود و لذا اگر در مسجد نماز جماعت برگزار شود و شخص در منزل خویش بدانها اقتدا نماید، به دلیل گسستگی که بین او و جماعت نمازگزاران وجود دارد نمازش به عنوان جماعت و حتی نماز فرادی هم حساب نمی گردد و نمازش باطل است. شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در مجموع الفتاوی خویش می نویسد: « نماز مأومی که خارج از مسجد به امام اقتداء کرده یا این که در مسجد است ولی بین او و امام حائلی وجود دارد به شرطی درست است که با صفوف نمازگزاران اتصال داشته باشد و این امر به اتفاق ائمه اربعه جایز است ولی اگر بین صفی با صف دیگر دریا ، یا جاده ای وجود داشت در اینصورت (چون بین صفوف فاصله ای اندک افتاده) علماء در این مورد اختلاف دارند:

- امام صاحب ابو حنیفه و در یک روایتی از امام احمد آن را جایز و صحیح نمی داند.

- امام شافعی و امام مالک آن را صحیح می دانند.

و لذا کسی که در منزل خویش به جماعت نمازگزاران از طریق تلویزیون اقتدا می کند(!!) به دلیل نبود اتصال با صفوف نمازگزاران، جماعت و نمازش باطل است و اصلاً عملی عیب و بیهوده انجام داده است!

پس برخی از علماء در مورد جدا شدن صفوف نمازگزاران به سبب وجود مانعی از جمله دریا و یا هم سرک و یا هم محل عبور و مرور ، حکم نموده اند که نماز کسانی که در آنطرف دریا و یا جاده به جاء آورده اند از این که (امام و مأومین با هم دورند) صحیح نمی باشد ، و این فتوا و حکم امام صاحب ابوحنیفه و یکی از روایتهای نقل شده از امام احمد رحمهما می باشد، ولی فتوا و حکم امام شافعی و امام مالک بر این است که نماز شان درست است .(مجموع الفتاوی ۴۰۷/۲۳ و المغنی ابن قدامه رحمه الله)

هكذا امام حسن بصری رحمه الله نیز طی فتوائی گفته است که اگر بین صفی با صف دیگر نهری جاری بود ایرادی بر نمازگزاران نیست.(ابن ابی شیبه ۱۴۹/۲)

و البته علماء فرموده اند که این احکام (یعنی جواز گسستگی صفوف به دلیل وجود دریا و جاده و سرک) برای حالتی است که ممکن است باعث مشقت شود وگرنه اصل آنست که تمامی صفوف به هم نزدیک باشند و مابین آنها مانعی مانند نهر یا رهگذر عبور و مرور مردم نباشد.(صحیح الفقه السنة ابو مالک بن السید سالم)

خواننده محترم !

حال این حکم علماء در مورد وجود مانعی همانند دریا یا جاده ای که موجب گسستگی صفوف می شود، بود و لذا چون اقتدای به نماز جماعت از طریق تلویزیون قطع اتصال با صفوف نمازگزاران را در پی خواهد داشت، پس این نماز باطل است.

بنابراین اقتداء به جماعت در منزل به صفوف نمازگزارانی که از طریق تلویزیون یا رادیو صورت می گیرد صحیح نیست هر چند که صدای امام را هم بشنود یا این که او و نمازگزاران را ببیند زیرا شرط اتصال به صفوف را رعایت نکرده است و این باعث باطل شدن نماز او می گردد.

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می فرماید:

برای مصلین که در خارج از مسجد به جماعت اقتداء می‌کند، باید با صفوف نمازگزاران اتصال داشته باشد، و اگر این اتصال وجود نداشته باشد در اینصورت نماز صحیح نیست...

وی در ادامه می‌افزاید: نماز در این حالت صحیح نیست زیرا اتصال وجود ندارد و این همان قول صحیح است، و لذا فتوای بعضی از معاصرین که اقتداء به جماعت را از طریق «رادیو» جایز دانسته اند (و رسالاتی برای اثبات ادعای خود نوشته اند) رد می‌شود، زیرا لازمه این فتوا آنست که ما در مساجد خویش نماز و جمعه نخوانیم! بلکه در منزل یا هر جای دیگری از طریق «رادیو» به امام مسجدالحرام اقتداء نمائیم، زیرا جماعت مسجدالحرام افضلتر از هر مسجد دیگری است، با وجود این که در نماز پشت رادیو نه امام دیده می‌شود و نه مأمومین، حال (اگر این فتوا را برای تلویزیون ها (صادر می‌کردند که) وارد زندگی مردم شده اند و نماز جماعت مساجد را مستقیماً پخش می‌کنند دلیل بهتری بود! اما این ادعا (نیز) باطل است و باعث باطل شدن نماز جماعت و یا جمعه می‌شود، چرا که در آن اتصال صفوف وجود ندارد و این امر مخالف هدف شارع برای انجام نماز جمعه و جماعت است. (یعنی دیدار نمازگزاران و ایجاد تعاون و الفت بین همدیگر) و در ضمن کسی که از طریق رادیو (یا تلویزیون) به امام و جماعت اقتداء می‌کند، در حقیقت بین او و جماعت فاصله بسیار زیادی وجود دارد و اصلاً این امر باعث باز شدن درهای شر خواهد شد، زیرا با این حساب کسانی که برای نماز جماعت تنبلی می‌کنند ادعا می‌کنند: «مادامی که نماز از طریق رادیو یا تلویزیون صحیح است پس من نماز خود را در خانه خود با فرزندان و یا خواهران و برادران خود می‌خوانم یا از این نوع بهانه ها»

بنابراین راجح آنست که اقتدای به امام و جماعت در خارج از مسجد صحیح نیست مگر این که دو شرط زیر را داشته باشد:

- نماز گزار باید صدای تکبیر امام را بشنود.
- صفهای جماعت باید با هم اتصال داشته باشند.

ادامه دارد